



الهي دانان مسيحي و قرآن

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

(حجرات: ۱۳)



میرصانعی، سید محمدعلی، ۱۳۶۲ -	سرشناسه
الهی دانان مسیحی و قرآن / سید محمدعلی میرصانعی	عنوان و نام پدیدآور
قم : نشر ادیان، ۱۴۰۰.	مشخصات نشر
۲۳۲ ص.	مشخصات ظاهری
نشر ادیان؛ ۱۸۹	فروست
978-600-7598-97-9	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه.	یادداشت
قرآن -- تفاسیر مسیحی	موضوع
Qur'an -- Christian interpretations	موضوع
یوحناى دمشقى قدیس، قرن ۱ ق.	موضوع
عمار بصرى، قرن ۲ ق.	موضوع
ابورائطه تکریتی قدیس، قرن ۹ م.	موضوع
متکلمان مسیحی -- دیدگاه درباره قرآن	موضوع
Theologians -- Views on Quran	موضوع
دانشگاه ادیان و مذاهب؛ نشر ادیان.	شناسه افزوده
۸ الف م / ۹ / ۳ / ۶۵ BP	رده بندی کنگره
۲۹۷ / ۱۵۹	رده بندی دیویی
۸۵۱۹۶۴۰	شماره کتابشناسی ملی

الہی دانان مسیحی و قرآن

بررسی دیدگاه یوحنا دمشق، ابورائطہ تکریتی
و عمار بصری درباره قرآن

سید محمد علی میرصانعی



۱۴۰۰



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه‌السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳-۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰، ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱

تلفکس مرکز پخش و فروش: ۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۲۷

فروشگاه اینترنتی:

@Libadyan

@ketabsara_adyan

www.Adyanpub.com

الهی‌دانان مسیحی و قرآن

● نویسندگان: سید محمدعلی میرصانعی smam1362@yahoo.com

● ناشر: ادیان

● نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۰

● طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار

● صفحه‌آرا: نیره نجفی

● چاپ: مؤسسه بوستان کتاب

● شمارگان: ۵۰۰

● مرجع قیمت: وب‌سایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

● شابک: ۹۷-۹-۹۷۵۹۸-۷۵۹۸-۶۰۰-۹۷۸

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

پاس و اهدا

کتاب پیش رو، اثری ناپنیز در حد توانایی علمی نویسنده است و قطعاً کاستی های بسیار دارد، که امیدوارم با راهنمایی های اساتید و صاحب نظرانی که آن را مطالعه می کنند بتوانم آنها را بر طرف کنم. اما اگر حسنی در این اثر باشد مرمون راهنمایی اساتید ارجمند، حجة الاسلام و المسلمین سید محمد علی ایازی، حجة الاسلام دکتر محمد تقی انصاری پور، و حجة الاسلام دکتر باقر طالبی دارابی است، که بارها بنمودهای خود بخانه راد نکارش این اثریاری کردند، و کمال تقدیر و پاس را از ایشان ابراز می دارم.

و این اثر را بر روح بلند شهید سید رحیم میرضایی و همه دکد شگفتی که حتی بر من دارند اهدا می کنم.

فهرست مطالب

چکیده.....	۹
دیباچه.....	۱۱
فصل اول: پیشینه تاریخی مسیحیت در قلمرو اسلامی از ابتدا تا اوایل عصر عباسی ..	۲۷
۱. مسیحیت در شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام	۲۸
۲. مسیحیت داخل در قلمرو اسلامی در صدر اسلام	۳۷
۳. مسیحیت داخل در قلمرو اسلامی در عصر اموی	۴۴
۴. مسیحیت داخل در قلمرو اسلامی در اوایل عصر عباسی	۵۱
۵. الهی دانان برجسته مسیحی در داخل قلمرو اسلامی در سه قرن نخست هجری	۶۵
فصل دوم: معرفی یوحنا دمشقی و تبیین دیدگاه وی در رویارویی با قرآن	۷۳
۱. معرفی زمینه‌های فکری و اجتماعی یوحنا دمشقی	۷۳
۲. تبیین دیدگاه یوحنا دمشقی در رویارویی با قرآن	۸۸
فصل سوم: معرفی عمار بصری و تبیین دیدگاه وی در رویارویی با قرآن	۱۱۱
۱. معرفی زمینه‌های فکری و اجتماعی عمار بصری	۱۱۱
۲. تبیین دیدگاه عمار بصری در رویارویی با قرآن	۱۱۶
فصل چهارم: معرفی ابورائطه نکریتی و تبیین دیدگاه وی در رویارویی با قرآن	۱۲۳
۱. معرفی زمینه‌های فکری و اجتماعی ابورائطه نکریتی	۱۲۳
۲. تبیین دیدگاه ابورائطه نکریتی در رویارویی با قرآن	۱۲۹

فصل پنجم: رهیافت سه الهی دان مسیحی در فهم، تبیین و نقد قرآن.....	۱۳۷
۱. رهیافت یوحنا دمشقی در فهم، تبیین و نقد قرآن.....	۱۴۲
۲. رهیافت عمار بصری در فهم، تبیین و نقد قرآن.....	۱۵۰
۳. رهیافت أبورائطه تکریتی در فهم، تبیین و نقد قرآن.....	۱۵۵
فصل ششم: ارزیابی دیدگاه سه الهی دان مسیحی در رویارویی با قرآن.....	۱۶۱
۱. ارزیابی دیدگاه یوحنا دمشقی در رویارویی با قرآن.....	۱۶۱
۲. ارزیابی دیدگاه عمار بصری در رویارویی با قرآن.....	۱۹۰
۳. ارزیابی دیدگاه أبورائطه تکریتی در مواجهه با قرآن.....	۲۰۰
سخن پایانی.....	۲۱۳
پیوست‌ها.....	۲۱۵
منابع.....	۲۲۱

چکیده

در قرآن کریم داده‌های زیادی پیرامون عیسی مسیح و مسیحیت وجود دارد، که برخی از آنها باورهای مسیحی را به چالش کشیده است. پس از گسترش اسلام در مناطق مسیحی‌نشین، الهی‌دانان مسیحی که باورهای دینی خود را در خطر می‌دیدند، برای دفاع از این باورها دست به دفاعیه‌نویسی زدند، و در این راستا به بررسی قرآن پرداختند. قدیمی‌ترین منابع مکتوبی که در این باره برجای مانده، مربوط به سه تن از الهی‌دانان مسیحی قرن هشتم و نهم میلادی، به نام‌های یوحنا دمشقی، عمّار بصری و ابورائطه تکریتی است. این سه الهی‌دان با رویکردهای متفاوتی به بررسی قرآن پرداختند؛ که از آن جمله تلاش برای انکار و حیانی بودن قرآن، به چالش کشیدن برخی از آموزه‌های قرآنی، و ارائه تفسیر مسیحی از آیات قرآن را می‌توان نام برد. در تحقیق پیش روی، بستر تاریخی و فکری هر یک از این الهی‌دانان، به روش تاریخی تحلیل شده، و سپس دیدگاه‌های ایشان در مواجهه با قرآن، به روش توصیفی-تحلیلی گزارش شده، و با استفاده از داده‌های تاریخی، آموزه‌های کتاب مقدس و قرآن کریم، تعالیم موجود در سنت مسیحی و اسلامی، و شواهد عقلانی مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، دیدگاه این سه الهی‌دان مسیحی در مواجهه با هویت و حیانی قرآن و آموزه‌های قرآنی، فاقد نگاه جامع به آیات قرآن است و با غرض‌ورزی و تفسیر به رأی همراه است.

دیباچه

مناقشات کلامی میان ادیان مختلف یا فرقه‌های گوناگون درون یک دین از دیرباز به عنوان کوششی برای اثبات حقیقت و دفاع از باورهای راستین شمرده می‌شود. در این راستا، متکلمان می‌کوشند تا حقانیت باورهای خود و نادرستی باورهای طرف مقابل را به اثبات برسانند. اما تاریخ مجادلات کلامی نشان می‌دهد که به کارگیری شیوه نامناسب در برخی از دوره‌های زمانی، نه تنها به کشف حقیقت کمک نکرده است؛ بلکه باعث ایجاد دشمنی شده، و در برخی موارد به خونریزی منجر شده است.

عدم شناخت کافی از منابع و آموزه‌های طرف مقابل، تبیین نادرست باورهای یک دین، و تحقیر آن باورها، از مهم‌ترین آسیب‌های مجادلات کلامی است، که علاوه بر تحریک احساسات دینی و انجام رفتار متقابل و یا بروز جنگ میان پیروان ادیان، در دراز مدت نیز ممکن است به سستی اصل دین منجر شود؛ زیرا چنین رویکردی از جانب یک طرف، واکنش طرف مقابل را به همراه دارد، و با شیوع چنین روشی در مجادلات کلامی هیچ دینی از تبیین نادرست و توهین در امان نخواهد ماند، و در نهایت جایگاه امر قدسی و معنویت در جامعه انسانی تنزل خواهد یافت. به همین دلیل، امروزه می‌توان شاهد آن بود که این‌گونه مجادلات پس از پشت سر گذاشتن چند دوره، بیش از پیش به اعتدال نزدیک شده و از تندروی‌های آن کاسته شده است؛ و در بسیاری از موارد جای خود را به گفت‌وگوی ادیان داده است، که مبتنی بر فهم متقابل آموزه‌ها و تجربیات دینی یکدیگر است.

یکی از نمونه‌های بارز روش افراطی را می‌توان در مناقشات کلامی میان مسیحیت و اسلام، در سده‌های میانه مشاهده نمود. اکثر آثاری که در این دوره از جانب مسیحیان درباره اسلام نگاشته شده، به جای تبیین خداشناسی، انسان‌شناسی، گناه‌شناسی، معادشناسی و نجات‌شناسی قرآنی، که نقاط قوت فراوانی نسبت به الهیات مسیحی دارد، در مقام نقد اسلام برآمده و مسایل حاشیه‌ای همچون ازدواج‌های پیامبر اسلام، مسأله

تعدد زوجات در اسلام و جنگ‌های مسلمانان را مورد بررسی قرار داده، و بر فرضیه‌ای اثبات نشده مبنی بر پیدایش قرآن در اثر تعالیم یک راهب آریوسی متمرکز شده است. همچنین نوشته‌هایی که در این دوره از جانب مسلمانان درباره مسیحیت نوشته شده، اغلب بر ابطال الوهیت مسیح، مسأله تثلیث، تحریف کتاب مقدس، و بشارت‌های موجود در کتاب مقدس متمرکز است، و به مشترکات میان مسیحیت و اسلام کمتر توجه شده است. در حالی که قرآن کریم کلمه توحید را به عنوان وجه مشترک میان ادیان ابراهیمی معرفی کرده، و بر توجه به این امر مشترک توصیه نموده است.^۱ بنابراین جا داشت که قبل از نقد تثلیث، دریافت مسیحیان درباره توحید و دغدغه ایشان در پایبندی به آن نیز به وضوح تبیین می‌گشت، آن‌گاه انحرافات که در این زمینه رخ داده بود با بیانی همدلانه مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. قرآن کریم در کنار انکار الوهیت مسیح، با به رسمیت شناختن منشأ الهی مسیحیت و انجیل،^۲ روشی هم‌دلانه و به دور از توهین را برای گفت‌وگوی مسلمانان با مسیحیان توصیه می‌کند. همچنین در مورد تحریف عهد جدید هیچ مطلبی در قرآن نیامده، و آیاتی که در این زمینه است درباره تحریف‌های یهودیان آمده است، که به تفاسیر غلط آنان از آیات تورات و تحریف معنوی آن یا بازیچه قرار دادن اسلام اشاره دارد،^۳ نه تحریف لفظی تورات به کم یا زیاده. این در حالی است که قرآن تورات و انجیلی را که نزد اهل کتاب است، تصدیق کرده است.^۴

مشترکات اخلاقی و عرفانی دو دین مسیحیت و اسلام نیز در این دوره مغفول مانده و به خوبی بیان نشده است؛ در حالی که این مشترکات، دستمایه خوبی برای آغاز گفت‌وگو و فهم بهتر یکدیگر به حساب می‌آیند.

با ظهور اسلام به عنوان یک دین جدید، مسیحیت رقیب تازه‌ای پیدا کرد که انتقاداتی به الهیات مسیحی داشت. گسترش حکومت اسلامی در قرن هشتم و نهم میلادی، باعث شد بسیاری از مناطق مسیحی‌نشین که تحت قلمرو امپراطوری بیزانس بود، به تصرف مسلمانان درآید و در نتیجه مسیحیان از نزدیک با دین جدید روبه‌رو شوند. در اینجا بود که برخی از الهی‌دانان مسیحی برای دفاع از باورهای مسیحی در برابر دین جدید، به پیروی از آبای کلیسا، دست به دفاعیه‌نویسی یا مناظره شفاهی زدند. از جمله اقداماتی که این الهی‌دانان انجام دادند بررسی آیات قرآن بود، چون قرآن از یک سو مهم‌ترین منبع الهیاتی

۱. آل عمران، ۶۴.

۲. بقره، ۶۲؛ مائده، ۴۷.

۳. نساء، ۴۶؛ مائده، ۴۱.

۴. نساء، ۴۷؛ مائده، ۴۳.

دین اسلام شمرده می‌شد، و از سوی دیگر برخی از باورهای بنیادین مسیحیت را با چالش روبه‌رو ساخته بود. از آن جمله می‌توان آموزه تثلیث، الوهیت مسیح، پسر خدا بودن او، و تصلیب را نام برد که در قرآن با صراحت انکار شده است.

از همین رو الهی‌دانان مسیحی به مطالعه و اظهار نظر در مورد قرآن پرداختند. آنان در مواجهه با قرآن سه رویکرد داشتند:

۱. اصالت و وحیانی بودن قرآن را در یک نگاه کلی انکار کرده و آن را کتابی ساختگی معرفی می‌کردند.

۲. با بررسی آیات قرآن می‌کوشیدند تا مطالب خلاف واقع یا ناسازگار با کلام الهی را در آن پیدا کنند.

۳. سعی می‌کردند تا با تفسیر قرآن به صورتی متفاوت با سنت اسلامی، باورهای مسیحی را از دل آیات قرآن به اثبات برسانند تا دلیلی بر صحت و حقانیت دینانیت مسیحی نزد مسلمانان باشد.

از اولین الهی‌دانان مسیحی ساکن در قلمرو اسلامی که به بررسی قرآن و اظهار نظر در مورد آن پرداختند می‌توان یوحنا دمشقی، عمار بصری، و ابورائطه تکریتی را نام برد، که هر یک با رهیافت خاصی به مطالعه قرآن پرداختند و چالش‌هایی را متوجه کتاب آسمانی مسلمانان کردند.

منصوربن سرجون، معروف به یوحنا دمشقی به عنوان آخرین فرد از آبای یونانی، از شخصیت‌های مهم و الهی‌دان برجسته کلیسای ارتدوکس به‌شمار می‌رود و آرای او در گذشته و حال تأثیرگذار بوده است.^۱ وی نخستین الهی‌دان مسیحی بود که به شکل نظام‌مند و سامان یافته، در رد اسلام و قرآن قلم در دست گرفت. با بررسی آثار وی می‌توان فهمید که او درباره قرآن و پیامبر اسلام به سه اصل کلی معتقد بوده است: اول آن که قرآن کتابی وحیانی نیست و از جانب خدا نیامده است، زیرا محتوای آن با وحی الهی تناسب ندارد؛ دوم آن که پیامبر اسلام، چنان‌که خود ادعا می‌کرد، فرستاده خدا نبوده است، زیرا کتابی که او آورده شاهد نارسایی در اثبات نبوت او است؛ و سوم آن که با دقت در قرآن می‌توان فهمید که برخی از عبارات آن تأیید کننده ایمان مسیحی است.^۲

1. Sahas, Daniel, *John of Damascus on Islam*, Leiden, Brill, 1972, p. XII; Schaff, Philip, *Creeeds of Christendom*, CCEL, 1877, vol. 2, p. 513.

2. Beaumont, Mark, "Early Christian Interpretation of the Qur'an", *Transformation*, 22, 2005, p. 195.

عمار بصری نیز از جمله الهی دانان نسطوری بود که در بصره، یکی از مراکز مهم فکری در اوایل عصر عباسی فعالیت می‌کرد. وی معتقد بود الهامی بودن یک کلام، وابسته به معجزاتی است که در تأیید آن می‌آید و از الهی بودن آن حمایت می‌کند. از همین رو کتاب مقدس و قرآن هر دو شهادت می‌دهند که پیامبران قبلی دارای معجزاتی بوده‌اند که گویای الهامی بودن سخن آنان بود و نشان می‌داد کلام آنان مورد تأیید خدا است. از سوی دیگر هیچ معجزه‌ای از الهامی بودن قرآن پشتیبانی نمی‌کند و با بررسی آیات قرآن به دست می‌آید که هرگاه کسی از پیامبر اسلام معجزه‌ای درخواست می‌نمود ایشان از آوردن معجزه امتناع می‌کرد.^۱ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که قرآن یک کتاب الهام شده از جانب خدا نیست؛ زیرا در پشتیبانی از آن معجزه‌ای وجود ندارد.^۲

حبیب‌بن خدمه ابورائطه تکریتی نیز جزو اولین نسل از مسیحیان عراق بود که فشار حاصل از افزایش قدرت و نفوذ جامعه مسلمانان را در حکومت عباسی تجربه می‌کردند. در آن زمان زادگاه وی، تکریت، از بزرگ‌ترین مراکز کلیسای یعقوبی در بین‌النهرین به‌شمار می‌آمد. وی از قرآن برای اثبات آموزه‌های مسیحی استفاده کرد، و با ارائه تفسیری متفاوت با سنت اسلامی، آیات قرآن را طوری تفسیر نمود که بیانگر ایمان مسیحی باشد. او برای اثبات آموزه پسر خدا بودن مسیح، تثلیث، تجسد خدا و تصلیب از قرآن استفاده نمود و سعی کرد تا تعارض میان این باورها و آیات قرآن را از بین ببرد و یا از عمق این شکاف بکاهد. زبان ابورائطه با یوحنا دمشقی و عمار بصری متفاوت بود و به جای انکار و حیانی بودن و قداست قرآن، سعی کرد تا سؤالاتی که در ذهن مسلمانان درباره نامعقول بودن ایمان مسیحی وجود داشت را با استفاده از فلسفه ارسطویی یا متن مقدس مسلمانان پاسخ دهد.^۳

از آنجا که این افراد در قرن هشتم و نهم میلادی می‌زیستند و از نظر تاریخی به مصدر و سرچشمه آغازین اسلام و عصر نبوی نزدیک بودند، نگرش آنان درباره اسلام اهمیت تاریخی زیادی دارد. همچنین دیدگاه این مسیحیان درباره کتاب آسمانی مسلمانان که مهم‌ترین متن مکتوب و منبع الهیاتی آنان به حساب می‌آید، بسیار مهم است و می‌تواند چالش‌های پیش رو در ارتباط میان مسیحیت و اسلام را به خوبی نشان

۱. اسرا، ۵۹ و ۹۴؛ انعام، ۳۵ و ۳۷؛ رعد، ۷ و ۲۷؛ یونس، ۲۰.

۲. بصری، عمار، کتاب البرهان و کتاب المسائل و الأجوبه، تحقیق میشل هایک، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۷۷، صص ۲۶-۳۴.

3. Keating, S. Toenies, *Defending the People of truth in the early Islamic period*, Brill, 2006, pp. 102-294.

دهد و خلأهایی که در تفاسیر اسلامی از قرآن وجود دارد را نمایان کند.

بازگویی مجدد این دیدگاه‌ها توسط اندیشمندان و پژوهشگران غربی در قرون وسطی و حتی روزگار معاصر، و انتشار آن در مقالات، کتاب‌ها، سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای گویای اولویت تحقیق در این رابطه است و می‌طلبد که مسلمانان به بررسی عمیق و ارزیابی این دیدگاه‌ها بپردازند، و این پژوهش در راستای تحقق همین ضرورت است. اکنون سؤال اصلی آن است که رویارویی این سه الهی‌دان مسیحی با قرآن، چه چالش‌هایی را متوجه کتاب آسمانی مسلمانان نمود، و با تحلیل و ارزیابی این دیدگاه‌ها به چه نتایجی می‌توان دست یافت؟

پیش از این نیز درباره ارتباط مسیحیت و اسلام و رویارویی پیروان این دو دین در سده هشتم و نهم میلادی، کتاب‌های زیادی به رشته تحریر درآمده است. یک دوره کتاب شش جلدی به نام روابط مسیحیان و مسلمانان^۱ در همین رابطه توسط پروفیسور دیوید توماس و باربارا رُگما تدوین شده، که مجموعه‌ای از مقالات را دربردارد، و هر جلد آن مربوط به یک مقطع تاریخی است. جلد اول این کتاب مربوط به سال‌های ۶۰۰ تا ۹۰۰ میلادی است و به بررسی شخصیت‌هایی پرداخته که در این دوره به فعالیت‌های الهیاتی میان مسیحیت و اسلام مشغول بوده‌اند. در این جلد یک مقاله توسط رینهولد گلای درباره یوحنا دمشقی، یک مقاله توسط مارک بیومانت درباره عمار بصری، و یک مقاله توسط تونیز کیتینگ درباره اُبورائنه تکریتی نوشته شده است. اما رویکرد کتاب تاریخی است و از تجزیه و تحلیل الهیاتی داده‌ها خودداری کرده و یا به اختصار رد شده است. لوئیس شیخو^۲ و جان موریس فییه^۳ نیز در آثار خود به بررسی تاریخی مسیحیت تحت قلمرو حکومت اسلامی در قرون اولیه هجری پرداخته‌اند؛ اما این آثار صیغه الهیاتی ندارد. همچنین مقاله‌ای با عنوان «مسیحیت در حجاز و غرب جزیره‌العرب مقارن ظهور اسلام» توسط دکتر عبدالله همتی گلیان تألیف شده،^۴ که به بررسی

1. David Thomas & Barbara Roggema, *Christian-Muslim relations*, Brill, 2009.

۲. شیخو، لوئیس، علماء النصرانیة فی الاسلام، تحقیق کمال حشیمه الیسوعی، جونیه، المکتبة البولسیه، ۱۹۸۳؛ همو، وزراء النصرانیة و کتّابها فی الاسلام، جونیه، المکتبة البولسیه، ۱۹۸۷؛ همو، المخطوطات العربیة لکتبة النصرانیة، چاپ دوم، بیروت، دارالمشرق، ۲۰۰۰.

۳. فییه، جان موریس، أحوال النصارى فی خلافة بنی عباس، ترجمه حسنی زینة، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۰.

۴. همتی گلیان، عبدالله، «مسیحیت در حجاز و غرب جزیره‌العرب مقارن ظهور اسلام»، پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۱۳۱-۱۴۴.

مسیحیت نجران، حبشه و بصری، و تأثیر آن بر گسترش مسیحیت در جزیره العرب قبل از ظهور اسلام پرداخته است؛ لیکن برخی از حکومت‌های مسیحی این دوره همچون لخم و غسان، و مسیحیت نسطوری که در آن زمان در شبه جزیره عربستان به سر می‌بردند، در این مقاله بررسی نشده است. مفیدترین منبعی که در این زمینه در اختیار نگارنده قرار گرفت، کتاب تاریخ الكنيسة السريانية الشرقية، تألیف البیر أبونا است،^۱ که در سه جلد به رشته تحریر در آمده است. جلد نخست این کتاب به توصیف مسیحیت در داخل شبه جزیره عربستان و مناطق اطراف آن همچون شام، ایران و بین‌النهرین، پیش از ظهور اسلام پرداخته است. جلد دوم وضعیت مسیحیت را از ظهور اسلام تا پایان حکومت عباسی در داخل قلمرو اسلامی مورد بررسی قرار داده، و جلد سوم مربوط به آغاز زمامداری مغول تا سده نوزدهم میلادی است، و نگارنده از جلد اول و دوم این کتاب در فصل اول تحقیق بهره گرفته است.

داود عجبک در کتاب الحوار الإسلامی المسيحي،^۲ مطالبی از قبیل موضع قرآن درباره مسیحیان و کتاب مقدس، برخوردهای پیامبر اسلام و صحابه با مسیحیان را بیان کرده، و تاریخ مناظره و گفت‌وگو میان مسلمانان و مسیحیان را از صدر اسلام تا دوران معاصر، به صورت اجمالی مرور کرده است؛ لیکن برخی از شخصیت‌های مسیحی که در این عرصه فعالیت کرده‌اند، همانند یوحنا دمشقی، عمار بصری و ابورائطه تکریتی در این کتاب نامبرده نشده‌اند. کتاب اولین مناقشات مسلمانان و مسیحیان درباره توحید، تألیف سارا لیلا حسینی،^۳ به بررسی الهیاتی سه شخصیت مسیحی در قرون اولیه هجری پرداخته که عبارتند از: ابورائطه تکریتی، عمار بصری و تئودور أبوقره. لیکن در این کتاب دیدگاه‌های الهیاتی این سه نفر درباره توحید و تثلیث بررسی شده و صبغه عقلی دارد و نظرات آنان در مورد قرآن بررسی نشده است. کتاب قرآن در گفت‌وگوی مسیحی و مسلمان تألیف جان بلاک^۴ نیز که به تازگی به چاپ رسیده، به بررسی نقش قرآن در گفت‌وگوی میان مسیحیت و اسلام پرداخته است. این کتاب ابتدا باور مسیحیت عرب در قرن ششم و اوایل قرن هفتم، یعنی زمان ظهور اسلام را تبیین نموده و سپس به بررسی

۱. أبونا، البیر، تاریخ الكنيسة السريانية الشرقية، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۸۶-۱۹۹۳.

۲. عجبک، بسام داود، الحوار الإسلامی المسيحي، بی‌جا، دارقنبیه، ۱۴۱۸.

3. Husseini, Sara Leila, *early christian-muslim debate on the unity of God*, Brill, 2014.

4. Block, Jonn, *The Quran in Christian-Muslim dialogue*, Routledge, 2014.

برخی موضوعات مطرح شده در قرآن که به مسیحیت ارتباط دارد پرداخته است: موضوعاتی از قبیل تحریف، تثلیث، عیسی، مریم و دیدگاه قرآن درباره مسیحیان. در پایان نیز دیدگاه پژوهشگران جدید را درباره این موضوعات قرآنی آورده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «یوحنا دمشقی و آغاز مجادلات کلامی میان اسلام و مسیحیت» توسط مرحوم دکتر مرتضی خلج أسعدی به رشته تحریر درآمده است،^۱ که در ابتدای آن مباحث مقدماتی همچون نگرش قرآن نسبت به مسیحیان و آموزه‌های مسیحی مطرح شده، و سپس شرح حالی یک صفحه‌ای از یوحنا دمشقی بیان شده است؛ لیکن فوت مؤلف مانع ادامه کار شده و مقاله در همین جا پایان یافته است. مقاله دیگری از سیدنی گریفیث با عنوان «کتاب مقدس و پیام حضرت محمد ﷺ بر اساس دفاعیه‌های مسیحی به زبان‌های عربی و سریانی در اولین قرن زمامداری عباسیان»^۲ به زبان فارسی ترجمه شده، که نویسنده آن در ابتدا به معرفی دفاعیه‌نویسان مسیحی، که در سده نخست حکومت عباسی در برابر اسلام قلم در دست گرفتند، پرداخته، و پس از معرفی آثار ایشان، گزارش مختصری از دیدگاه‌های آنان پیرامون آموزه‌های اسلامی و مسیحی مطرح کرده است. بخش عمده‌ای از این مقاله به مکاتبه میان عبدالله هاشمی و عبدالسیح کندی، و داستان بحیرای راهب در متون سریانی و عربی اختصاص دارد، و در چند بند کوتاه نیز به معرفی عمار بصری و أبورائطه تکریتی پرداخته است. مقاله دیگری از همین نویسنده با عنوان «تاریخچه مجادلات روحانیان مسیحی سریانی با مسلمانان»^۳ ترجمه شده، که پس از معرفی اجمالی چند دفاعیه‌نویس مسیحی در سده‌های هشتم و نهم میلادی، همچون تودور بارکونی و تیموتی، به بررسی یک نسخه خطی چاپ نشده مربوط به مجادله‌ای میان یک راهب مسیحی به نام ابراهیم و یک مسلمان بی‌نام عرب زبان پرداخته است. در این منابع، اطلاعات چندانی درباره سه الهی‌دان مسیحی به نام‌های یوحنا دمشقی، عمار بصری و أبورائطه تکریتی، که این پژوهش بر محور آرا و

۱. خلج أسعدی، مرتضی، «یوحنا دمشقی و آغاز مجادلات کلامی میان اسلام و مسیحیت»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۵۹-۶۰، ۱۳۷۵، صص ۵۹-۶۴.

۲. گریفیث، سیدنی، «کتاب مقدس و پیام حضرت محمد ﷺ بر اساس دفاعیه‌های مسیحی به زبان‌های عربی و سریانی در اولین قرن زمامداری عباسیان»، ترجمه وحید صفری، هفت آسمان، شماره ۳۴، ۱۳۸۶، صص ۷۳-۱۲۸.

۳. همو، «تاریخچه مجادلات روحانیان مسیحی سریانی با مسلمانان»، ترجمه سید مهدی حسینی اسفیدواجانی، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۲۵، ۱۳۸۷، صص ۶۶-۷۵.

اندیشه‌های آنان در مواجهه با قرآن استوار است، ارائه نشده، و تنها تاریخچه مختصری از مجادلات کلامی میان مسیحیت و اسلام تا پایان قرن نهم میلادی مطرح شده است. اغلب دیدگاه‌های این سه الهی‌دان را در مواجهه با قرآن از آثاری که خودشان تألیف کرده‌اند می‌توان به دست آورد، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: *ینبوع المعرفه*^۱، کتاب البرهان و کتاب المسائل والأجوبه^۲ و دفاع از أهل حقیقت در اوایل دوره اسلامی^۳، که به ترتیب متعلق به یوحنا دمشقی، عمار بصری و أبورائطه تکریتی است.

در نوشتار پیش رو، دیدگاه‌های این سه الهی‌دان در مواجهه با قرآن بر اساس داده‌هایی که در این منابع آمده تبیین گشته، و سپس این دیدگاه‌ها به همراه رهیافت ایشان در مطالعه قرآن به روش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر این اساس، در فصل اول پیشینه تاریخی مسیحیت در قلمرو اسلامی، از ابتدا تا اوایل عصر عباسی، واکاوی شده، و بستر مواجهه مسیحیان با مسلمانان در نخستین سده‌های ظهور اسلام، به طور عام و به روش تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم، سوم و چهارم، به ترتیب زمینه‌های فکری و اجتماعی یوحنا دمشقی، عمار بصری و أبورائطه تکریتی به طور خاص بررسی شده، و دیدگاه هر یک از آنان در مواجهه با قرآن توصیف و تحلیل شده است.

در فصل پنجم رهیافت سه الهی‌دان مسیحی در رویارویی با قرآن مورد واکاوی قرار گرفته، و نکات ضعف و قوتی که در رهیافت هر یک از آنان وجود داشته بررسی شده است. و در فصل ششم نیز، مطالب به دست آمده در فصل‌های قبل به روش تحلیلی - انتقادی مورد ارزیابی قرار گرفته، و نتایج به دست آمده از این ارزیابی تبیین شده است. در این مرحله، داده‌های گردآوری شده در فصل‌های قبل با استفاده از عقل، متون دینی و منابع تاریخی مورد راستی‌آزمایی قرار گرفته است.

قبل از شروع، لازم است منظور از دو واژه الهی‌دان و مسیحی برای خواننده محترم تبیین شود:

۱. الهی‌دان

الهی‌دان ترجمه واژه یونانی *θεολόγος*، و واژه انگلیسی *theologian* است، و به کسی

1. Damascus, John, *The fount of knowledge*, translation Frederic Chase, in the *Fathers of the church*, vol. 37, New York, Fathers of the church, 1958.

۲. بصری، عمار، کتاب البرهان و کتاب المسائل والأجوبه، تحقیق میشل هایک، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۷۷.

3. Keating, S. Toenies, *Defending the People of truth in the early Islamic period*, Brill, 2006.

گفته می‌شود که در دانش خداشناسی و الهیات تخصص داشته باشد. در متون عربی که از دانشمندان مسیحی بر جای مانده نیز از الهی‌دانان مسیحی با عنوان المتکلمون المسیحی یا المتکلمون فی الإلهیات تعبیر شده است.^۱ منظور از الهی‌دان در این پژوهش کسی است که در یکی از شاخه‌های علوم دینی تخصص داشته و فعالیت می‌کرده است؛ اعم از این‌که آن فرد در سلسله مراتب کلیسایی دارای سمت بوده، یا این‌که بدون هیچ سمتی به فعالیت‌های الهیاتی می‌پرداخته است.

۲. مسیحی

منظور از واژه مسیحی در این تحقیق افرادی هستند که پیرو آموزه‌های یکی از کلیساهای شناخته شده مسیحی بوده‌اند، و در زمره پیروان یکی از فرقه‌های مسیحیت به‌شمار می‌آمدند. اختلافات درونی میان مذاهب مسیحی که گاهی موجب ارتداد یک فرقه از نگاه فرقه دیگر شده است، در اینجا مدّ نظر قرار نگرفته، و واژه مسیحی در این پژوهش شامل پیروان تمام فرق شناخته شده مسیحیت می‌شود؛ حتی اگر یک فرقه از نظر فرقه دیگر مسیحی شمرده نشود.

مسیحیانی که در قرن هشتم و نهم میلادی در داخل قلمرو اسلامی زندگی می‌کردند پیرو یکی از سه مذهب ملکائی، نسطوری و یعقوبی بودند، و بر حسب اتفاق، هر یک از سه الهی‌دان مسیحی که دیدگاه‌های ایشان در این تحقیق مورد واکاوی قرار گرفته نیز جزو یکی از این سه مذهب شمرده می‌شدند. در ادامه توضیحات مختصری پیرامون این مذاهب بیان خواهد شد.

الف) ملکائیان

این اصطلاح از سوی مسلمانان به آن دسته از مسیحیان گفته می‌شد که از دین رسمی امپراطوری بیزانس پیروی می‌کردند، و به همین دلیل ملکائیه، یعنی پیروان پادشاه، نامیده می‌شدند. امپراطوری بیزانس پیرو اعتقادنامه شورای کالسدون بود، و در داخل قلمرو بیزانس به مسیحیانی که از مصوبات این شورا پیروی می‌کردند کالسدونی^۲

۱. ولفسن، هری اوسترین، فلسفه علم کلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات المهدی، ۱۳۶۸، صص ۱-۲.

2. Chalcedonian.

گفته می‌شد. این شورا، که در زبان عربی خلقیده‌ویه نامیده می‌شود، چهارمین شورای جهانی مسیحیت بود، و در سال (۴۵۱م) در شهر خلقیدون، که امروزه قاضی‌کوی نامیده می‌شود و در ترکیه قرار دارد، تشکیل شد. در این شورا باور منوفیزیت‌ها به این که مسیح تنها دارای طبیعت الهی است، بدعت شمرده شد، و او دارای دو طبیعت الهی و انسانی معرفی گردید.^۱ پیروان شورای کالسدون با معرفی نسطوریان و منوفیزیت‌ها به عنوان فرقه‌های بدعت‌گذار و منحرف، خود را راست‌کیش خواندند و نام ارتدوکس^۲ را که به همین معنا بود، بر کلیسای خود نهادند. توضیح بیشتر درباره باورهای کلیسای ارتدوکس در ضمن بیان عقاید نسطوریان و یعقوبیان خواهد آمد.

ب) نسطوریان

کلیسای نسطوری که با نام کلیسای سریانی شرقی نیز شناخته می‌شود،^۳ در قرن پنجم میلادی به عنوان یکی از فرقه‌های بدعت‌گذار از کلیسای ارتدوکس جدا شد. مباحث اعتقادی آنان عمدتاً در فاصله قرن‌های پنجم تا هفتم میلادی شکل گرفت و پس از آن تغییر و تحول خاصی نداشتند. آموزه‌های آنان که اغلب پیرامون مباحث مسیح‌شناسی است، در کتابی به نام شوراها شرقی، در قرن یازدهم به چاپ رسیده است.^۴

در شورای نیقیه (۳۲۵م)، که اولین شورای جهانی بود، اعتقاد به جوهر الوهی مسیح در کنار انسانیت او به تصویب رسید. در اعتقادنامه نیقیه آمده است: ما به عیسی مسیح، پسر خدا ... خدای حقیقی از خدای حقیقی ... هم جوهر با پدر اعتقاد داریم، که برای نجات ما از آسمان فرود آمد و جسم گرفت و انسان شد ... ورنج کشید.^۵ اما پس از این شورا سؤال دیگری ذهن متألهان مسیحی را به خود مشغول کرد، و آن چگونگی ترکیب میان الوهیت و انسانیت مسیح بود، و تفاوت اصلی کلیسای نسطوری و کلیسای ارتدوکس نیز در همین جا خلاصه می‌شد.

۱. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، چاپ سوم، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳.

2. Orthodox church.

۳. فییه، جان موریس، أحوال النصارى فى خلافة بنى عباس، ص ۳۶.

4. Chabot, J. B., *Synodicon Orientale*, Paris, 1902.

5. Denzinger, Henry, *The sources of Catholic dogma*, translation Roy J. Deferrari, Loreto Publications, 1955, p. 26.